



نگاهی به تثلیث در آیین مسیحیت

پدیدآورنده (ها) : ظهوری فر، محمد

فلسفه و کلام :: نشریه پژوهش‌های اعتقادی کلامی :: تابستان ۱۳۸۵ - شماره ۲ (ISC)

صفحات : از ۱۲۵ تا ۱۵۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/590617>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- خدای سه گانه؛ سیر پیدایش و تحول عقیده تثلیث و نگرش انتقادی قرآن کریم به آن
- سیری در تطور رویکردهای الهیاتی گوناگون نسبت به اصطلاح شناسی مفاهیم تثلیثی در مسیحیت
- ورود
- تجسد «عیسی مسیح» از دیدگاه مسیحیت و اسلام
- تحجر و تحجرگرایی در منظومه فکری امام خمینی (ره)
- جنبش عقل باوری سده ی هفدهم؛ تاریخ فلسفه ی راتلج: رنسانس و عقل باوری سده ی هفدهم / ج. اچ. آر پارکینسون
- مقایسه نظریه مثال افلاطونی و نظریه وجود جمعی از دیدگاه صدرالمতألهین
- درآمدی بر سیر و سلوک (۷) سه راهکار الهی برای آموزش گناهان
- بررسی آراء و افکار ولتر درباره ی شخصیت حضرت محمد (ص)
- انواع تحلیل موردی و کاربرد تثلیث در آن
- ریشه های خرافات و کارکرد آن ها در فرهنگ مردم (مورد مطالعه: باورهای مردم کرمان)
- سیری گذرا بر معرفت شناسی اومانیسیم

عناوین مشابه

- نگاهی به برداشت الهیات مسیحی از نقد آموزه تثلیث در قرآن
- نگاهی به آیین آق آش در بین ترکمن ها خوراک مقدس و درونی شدن باورهای دینی
- تاریخ فرق مذاهب: نگاهی اجمالی به آدم و گناه او در یهودیت، مسیحیت، زرتشت و اسلام
- آب، آیین و آیین (نگاهی به جایگاه آب در زندگی مردم هرمزگان)
- نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری
- نگاهی به قانون، شرع و آیین نامه های دانشگاهی؛ تقلب در پایان نامه
- جایگاه سازمان قضایی نیروهای مسلح در صیانت از حقوق شهروندی با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- ظرفیت های پژوهشی در محصولات رجالی نور نگاهی به آیین رونمایی دو نرم افزار «درایة النور - نسخه ۳» و «کتابخانه رجال شیعه و اهل سنت - نسخه ۲»
- نقش قاضی در تحصیل دلیل و کشف حقیقت در فقه و حقوق ایران و انگلستان با نگاهی به اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی
- در یک نگاه: نگاهی به کتاب سرشت انسان در اسلام و مسیحیت

« نگاهی به تثلیث در آیین مسیحیت »

دکتر محمد ظهوری فر*

چکیده

این مقاله در پی ارائه مفهوم لغوی و اصطلاحی تثلیث و خاستگاه آن، قرائت‌های ناهمگون متکلمان مسیحی در این زمینه می‌باشد و در ادامه تلاش‌های ناصواب و ناتمام دانشمندان مسیحی و دیدگاه کلیسا در الوهیت بخشیدن به اضلاع تثلیث خواهد آمد. فرجام تحقیق روشن می‌شازد که دیدگاه شرک آلود پذیرش تثلیث منتسب به پاره‌ای از مسیحیان و متولیان مسیحیت است نه مربوط به آیین حضرت عیسی مسیح (ع).

کلید واژه ها :

تثلیث، توحید، اقانیم ثلاثه، حضرت عیسی، روح القدس

* فارغ التحصیل دوره دکترای کلام و الهیات حوزه علمیه قم.

طرح مسأله :

اساس مکتب حضرت عیسی، مانند دیگر انبیاء عظام، بر توحید و یگانه پرستی استوار بوده است اما متأسفانه آیین این پیامبر ارجمند آن چنان دچار انحراف و تحریف شده که امروز تثلیث بنیاد و وجه تمایز آن قرار گرفته است و در جهان آن را با تثلیث می‌شناسند که در این جا به تحلیل آن می‌پردازیم.

تثلیث در لغت بمعنای ذات و شیء دارای سه جز می‌باشد و آن شیء سه جزیی را ثلوث می‌گویند.

در اصطلاح کلامی مقصود عقیده مند بودن به اینکه خدا سه شخصیت و اقنوم دارد. که بسیاری از مسیحیان امروز بر این گمانند که: الوهیت از سه اقنوم کاملاً مشخص و مستقل تشکیل گردیده و این سه در ازلیت، قدرت و جلال برابر و هر یک، از تمام صفات خدایی برخوردار می‌باشند (خداوند ما عیسی مسیح، ص ۲).

ریشه و منشأ تثلیث:

در اینکه مسأله تثلیث ریشه و منشأ در کجا دارد و چگونه وارد حوزه کلامی مسیحیت گردیده دیدگاه‌ها و انظار متفاوت و مختلفی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

یک؛ هند باستان:

یک دیدگاه این است که موضوع تثلیث ریشه در عقیده و افکار هند باستان دارد چه

آنکه عقاید مهم و سه ضلعی هندوان بسیار شبیه به تثلیث است:

۱- ایمان می آوریم به (سافتری) یعنی خورشید، خدای واحد که ضابط همه چیز و خالق آسمانها و زمین است.

۲- ایمان می آوریم به تنها فرزند او (آنی) یعنی نار که نوری است از نور او مولود اما مخلوق نیست، او تجسد یافته از (فایو) و روح در شکم (مایا) عذراً.

۳- ایمان می آوریم نیز به فالیو روح حیات بخش که از پدر و پسر سرچشمه گرفته است (محمد احمد، ص ۱۰۴)

وجود تثلیث در آیین هندو به گونه دیگر نیز آمده است:

«و اینک نیز گروه‌هایی از مردم هند و چین عقیده دارند: خداوند خالق، گاه دربرهما، مجسم شده و زمانی در فیشنو، خود را نشان داده و سپس در سیفا، و نکته بسیار جالب این است که اینان این تجسد الهی و هدف آن را نجات جهان هستی از شرور و معاصی ذکر می‌کنند» (محمد، ماده ثالث، حکمت، ص ۵۲، البستانی، ج ۵، ص ۳۷۵)

در اینکه اینگونه عقاید از هندوان چگونه وارد حوزه های مسیحی نشین گردیده در منابع مربوطه چنین آمده است: امینوس، (متوفای ۲۴۲) رئیس مدرسه اسکندریه در آغاز زندگی به مسیحیت عقیده داشت اما مرتد شده، به دوگانه پرستی روی آورد، او شاگردی داشت به نام فلوطین، یا افلوطین، که در مدرسه اسکندریه تعلیم

می‌دید؛ افلوپین از اسکندریه کوچ و به دیار فارس و هند سفر نمود و در آنجا از مکاتب صوفیه هندی، بودا، و برهما، بهره گرفت و آموزش دید و در بازگشت به اسکندریه، آراء خود را که از جمله مسأله تثلیث بود به شاگردان مدرسه تعلیم می‌داد که خلاصه‌ای از عقاید او را یادآور می‌شویم:

۱- هستی از یک منشأ ازلی دائمی صادر شده است که چشم، تاب دیدن آن را ندارد.

۲- همه ارواح شعبه‌هایی از روح واحد هستند و به منشأ اول پیوند می‌خورند البته به واسطه عقل.

۳- هستی در تدبیر خود در برابر این سه «ذات» خاضع است:

خداوند ایجاد کننده اشیا و مصدر همه چیز است؛

اولین چیزی که از آن صادر می‌شود عقل است و این صدور مانند تولد است.

و روح تجلی یافته از عقل که وحدت بخش ارواح است و همه هستی از این ثالث به وجود آمده است (محمد ابوزهره، ص ۴۰)

دو؛ قدمای مصر:

بعضی از دانشمندان ریشه تثلیث را در میان مصر باستان جستجو می‌کنند و می‌گویند: پادشاه مصر (تولیسو)، از کاهن بزرگ (تثوکی)، پرسید: آیا قبل یا بعد از تو بزرگی

هست؟ تنشوکی، گفت: آری در رتبه اول خداوند است، پس از او کلمه است و در کنار خدا و کلمه او، روح القدس، است و اینان هر سه یک طبیعت دارند.

جالب توجه اینکه نام‌های اقانیم سه گانه در میان مصریان چنین بوده است:

۱- الاله اوسیری (اوزیرویس) که او را آب یا والد نام نهاده، و معتقدند او خدای اکبر، اعظم، علت و سبب ایجاد اقنوم دوم است.

۲- الاله هور (هورس) او را ابن، نطق و کلمه می گویند که پسر اوسیری است، این پسر، نور، خورشید، تابنده و خدای سخن و کلام است و هم او بر دوش می کشد گناهان و خطاهای جهان را و در قالب انسان درآمده تا استعداد مرگ را داشته باشد.

۳- الاله ایس (ایزیس) این اقنوم را والده و مادر می گویند، او ملکه آسمان است و مادر اقنوم دوم است، او سبب حیات بشر است (محمد احمد، ص ۱۰۱)

سه ؛ عرب جاهلی:

برخی از نویسندگان معاصر در این رابطه چنین می گویند:

«عده‌ای از تازه مسیحیان عرب، مفهوم تثلیث بت پرستان را از روی نا آگاهی به اصول و دیانت مسیحی پسندیدند و خدای متعال مشرکان را با پدر، بزرگ مادر را با مریم، و خداوند مولود جسمانی از آن دو را با مسیح، خلط کردند، زمینه و انگیزه این کار را هم اینگونه ذکر می کنند: چون قبل از ظهور اسلام تعداد زیادی از مسیحیان در اطراف جزیره العرب (مانند بیابان‌های سوریه، سینا، یمن و بین النهرین)

منتشر بودند و از آنجا که مگه در ایام جاهلیت مرکز بت پرستی بود مسیحیت نتوانست در آن نواحی پیشرفت کند و مسیحیان اندکی که در حجاز شناخته شده‌اند از نظر دینی عمیق نبودند و از تعالیم مذهبی اطلاع کافی نداشتند و این مسأله شگفت آور نیست، زیرا در آن سرزمین مؤسساتی برای آموزش اصول مسیحیت وجود نداشت و کتاب مقدس نیز به عربی ترجمه نشده بود» (توماس، ص ۷۸)

و نتیجه می‌گیرند، مسیحیان ساکن آن مناطق تحت تأثیر آیین بت پرستی قرار گرفته با پذیرش و عقیده‌مند شدن به؛ الله اللات و بعل، زمینه ظهور تثلیث پدید آمد؟!

چهار؛ فلاسفه یونان:

جناب سوسینوس، یکی از دانشمندان عالم مسیحیت اعتقاد به تثلیث را نتیجه تأثیر عقاید ناقص فلاسفه یونان در نوشته شدن اعتقاد نامه‌ها دانسته است (همان)

پنج؛ کتاب مقدس:

با توجه به اینکه عقیده غالب در میان مسیحیان و دیدگاه کلیسا به عنوان متولی امور عقیدتی مسیحیان جهان، پذیرش تثلیث است باید دید آیا اثر و نشان از تثلیث در کتاب مقدس به چشم می‌خورد یا خیر؟

در پاسخ به پرسش یاد شده علمای نصرانی می‌گویند:

«عقیده به تثلیث صورت تکامل یافته عقیده ساده مسیحیان نخستین است که در عهد جدید آمده است همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را با اسم، اب، ابن و روح القدس، تمعید دهید» (باشا، ص ۹۹ - ۹۸؛ تیسن، ص ۷۸)

آراء و دیدگاه‌ها پیرامون تثلیث:

در این جا باید مقصود متکلمان مسیحی از تثلیث بیان و توضیح داده شود که در بین آنان قرائت و نظر واحدی راجع به تثلیث وجود نداشته بلکه آراء متفاوت و مختلفی ابراز شده که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- وحدت و تساوی اضلاع: کامپیوتر علوم اسلامی

ثالوه به معنای خدای واحد است که این خدای واحد عبارت است از اب، ابن و روح القدس، و این سه، خدایی هستند که در جوهر، قدرت و مجد با هم مساوی می‌باشند و ما از این سه، تعبیر می‌کنیم به الله و این سه گانگی در ذات و طبیعت الله موقت و ظاهری نیست بلکه حقیقی و همیشگی است.

از این سه شخصیت نباید تصور کرد سه خدا وجود دارد، بلکه این سه اقنوم جوهر و خدای واحد هستند این جدایی و نه این همانی بین اضلاع تثلیث هرگز سبب تقسیم شدن وحدت الوهیت نمی‌گردد و لذا پدر همه‌اش در پسر و پسر هم به تمامی در پدر

وجود دارد و هر دو کاملاً در روح القدس، و روح القدس، همه‌اش در پدر است و در همان حال به تمامی در پسر است.

۲- اضلاع دارای مراتب:

اورینگنس، (۱۸۵ - ۲۵۰): در این زمینه معتقد است با پذیرش اتحاد پدر و پسر باید دو اقنوم بودن آن دو را هم از یاد ببریم، چه آنکه تساوی الوهیت پدر و پسر سبب یکسانی مطلق نخواهد شد، در حقیقت می‌توان گفت که پسر تابع پدر است و پدر علت پسر و پسر معلول اوست، پسر به عنوان دارنده تمام صور و مثل کاملاً بسیط نیست در حالیکه پدر بسیط مطلق است همانطوری که پسر چون پدر خیر است اما خیر مطلق نیست و همانطوری که در یوحنا، (۲۰ - ۱۴) آمده پدر از پسر بزرگتر و عظیم تر است، طبق فهم اورینگنس، عیسی، خدای دوم و روح القدس، در مرتبه پس از او قرار دارد.

نظیر همین دیدگاه را جناب تر تولیانوس، (۱۶۰ - ۲۴۰) اینگونه ابراز می‌دارد: «پسر در مرتبه‌ای پایین تر از پدر قرار دارد پدر و پسر با اینکه از هم جدا نیستند، یکی هم نیستند، این دو به واسطه مرتبه از یکدیگر ممتاز شده‌اند، پدر همه جوهر است در حالیکه پسر قسمتی از آن است و تصریح می‌نماید که: کلمه، خداست و روح القدس هم روح خدا و در این تعبیر نه تنها تناقضی وجود ندارد که تثلیث موضوع و کلید فهم و درک سایر عقاید نیز هست.» (هاکس، ص ۷۸)

در همین زمینه نویسنده دیگری می گوید:

«اقانیم سه گانه الهی، الوهیت را بین خود تقسیم نمی کنند، چه آنکه هر یک خدای مستقل و کاملی هستند:

پدر ذاتی است که آن ذات، پسر نیز هست و پسر ذاتی است که همان ذات پدر است. و پدر و پسر هر دو روح القدس، می باشند و می توان گفت: خدای واحدی که طبیعت آن، سه اقنوم است و این سه در جوهر، ماهیت و طبیعت خدای یگانه هستند و این سه اقنوم هر یک باهم وحدت دارند که هر کدام جدای از دیگر و کاملاً متمایز از بقیه می باشد، به طوری که پدر هرگز پسر نمی باشد و پسر هم پدر نخواهد بود و روح القدس هم نه پدر است و نه پسر.

ایشان که اصرار دارد وحدت و تمایز را جمع و تناقض میان آن دو را هم از بین ببرد می گوید: و اصولاً هیچ چیز همان صاحبش نیست.

وی بیان می کند که پسر فضیلت و شکوه و جلال خود را به وسیله اعمال نیکو و ترک گناه بدست آورده است و لذا جواهر پدر، پسر و روح القدس، کاملاً باهم متفاوت می باشد، ایشان گر چه برای پسر و روح القدس، نیز الوهیت قایل است ولی هر کدام را دارای الوهیت خاص می داند و می گوید: پسر را خدا می نامند اما الوهیت ندارد و روح القدس، هم اولین مخلوق لوگوس و پسر می باشد و درجه ای پایین از

پسر دارد^۱

۳- پسر واقعی:

گاه تفاوت انظار پیرامون تثلیث به تفاوت مرتبه قابل شدن بین پسر و روح القدس بر می‌گردد همانطوری که خیلی‌ها این دیدگاه را مطرح کردند که روح القدس، مولود نیست بلکه مخلوق است اما در پاره‌ای از عبارات مرتبه روح القدس، بالاتر از پسر دانسته شده به گونه‌ای که پسر واقعی خداوند را روح القدس، و عیسی را پسر خوانده خداوند دانسته‌اند و به این نوع نگرش به حضرت عیسی، مسیح شناسی کم مرتبه یا فرزند خواندگی لقب داده‌اند و منظور این است که؛ خداوند عیسی مسیح را به فرزند خواندگی قبول کرده است و او فرزند واقعی خداوند نیست، و در عوض روح القدس، پسر خداست و عیسی، مردی است که روح القدس را در غسل تعمیدش به دست یحیی معمدان دریافت کرده است و از این روح در تمام مأموریتش اطاعت کرده است و این مأموریت را بدون اینکه آلوده به گناه و خیانت دنیوی شود به پایان رسانید، برای همین او مستحق این بود که به وسیله خدا به مقامی بالاتر ارتقا یابد بدین ترتیب خدا او را به عنوان پسر خوانده خود قبول و در کنار روح القدس، که پسر طبیعی اوست قرار داد. البته این پاداش برای تمامی انسان‌هایی است که روح

۱ - اقتباس از مقاله: تثلیث از آغاز تا شوری قسطنطنیه صص ۹۲-۹۶.

القدس را قبول می‌کنند و بدون آلودگی و فساد باقی می‌مانند.^۱

شواهدی بر الوهیت اضلاع تثلیث:

دستگاه کلیسا و علماء مسیحی در طول تاریخ تلاش بسیاری نموده‌اند تا به گونه‌ای مخاطبان خود را قانع سازند که تثلیث صحیح و شواهدی چند بر درستی آن وجود دارد که دو نمونه از آن نقد می‌گردد:

یک - آموزه‌هایی از عهد نو:

اینان آموزه‌های فراوانی از متن کتاب مقدس را مؤید مدعای خویش می‌دانند که در حد ظرفیت مقاله نقل می‌گردد:

۱- الوهیت عیسی در کتاب مقدس:

عیسی در کتاب مقدس دارای اوصافی است که همان اوصاف برای خداوند ذکر می‌شود:

سرمد، ازلی و ابدی:

«عیسی مسیح (ع) دیروز و امروز و تا ابد الابد همان است، آن‌ها فانی لکن تو باقی هستی»...

۱ - جهت توضیح و اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک: مجله معارف، سال اول، شماره اول.

«برای ما ولدی زاییده و پسر بما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد و... تا آن را به انصاف و عدالت از الآن تا ابد الآباد ثابت و استوار نماید...» (اشعیا : ۹ و ۶)

حیات: «زیرا همچنانکه پدر در خود حیات دارد و همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد.»

حضور مطلق: «پدر من که در آسمان است برای ایشان کرده خواهد شد زیرا جایکه دو یا سه نفر با اسم من جمع شوند آنجا در میان ایشان حاضرم» (فنی : ۱۸،۲۰) ... و اینک من هر روز تا انقضای عالم همراه شما می باشم آمین (متی : ۲۸ : ۲۰) علم مطلق: «الآن دانستیم که همه چیز را می دانی.» (یوحنا : ۱۶ : ۳۰)

«خداوندا تو بر همه چیز واقف هستی» و... (یوحنا : ۳۱ : ۱۷)

قدرت مطلق: «آنچه او پدر می کند پسر نیز می کند زیرا که پدر پسر را دوست می دارد و هر آنچه خود می کند بدو نیز می نماید همچنانکه پدر مردگان را بر می خیزاند و زنده می کند همچنین پسر نیز هر که را بخواهد زنده می کند.» (یوحنا : ۵ : ۱۹)

خالقیت: «همه چیز بواسطه او آفریده شده است»

«در او همه چیز آفریده شد آنچه در آسمان و آنچه در زمین است... همه به وسیله او و برای او آفریده شد.» (یوحنا ۱: ۳)

بخشیدن گناهان: «.... مفلوج را گفت ای فرزند خاطر جمع دار که گناهایت آمرزیده شد، آنگاه بعضی از کاتبان با خود گفتند این شخص کفر می گوید، عیسی، خیالات ایشان را درک نموده گفت: از بهر چه خیالات فاسد به خاطر خود راه می دهید... لیکن تا بدانید که پسر انسان را قدرت آمرزش گناهان بر روی زمین هست.» (متی ۹: ۱۶)

احیای مردگان: «و از این تعجب می کنید زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد.» (یوحنا ۵: ۲۵):

جواز پرستش: «پس اهل کشتی آمده او را پرستش کرده، گفتند فی الحقیقه تو پسر خدا هستی.» (متی ۱۴: ۳۳)

«و هنگامیکه نخست زاده را باز به جهان می آورد می گوید که: جمیع فرشتگان خدا، او را پرستش کنند.» (عبرانیان ۱: ۶)

یکی بودن با خدا: «او و پدر یکی هستند.» (یوحنا ۱۰: ۳۰) «فیلپس، به وی گفت ای آقا پدر را بما نشان ده که ما را کافست عیسی، بدو گفت: ای فیلپس، در این مدت با شما بوده ام آیا مرا نشناخته ای، کسیکه مرا دید پدر را دیده است، پس تو چگونه

می‌گویی پدر را نشان ده، آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است.» (یوحنا ۱۴: ۹)

«لکن ما را یک خداست یعنی پدر که همه چیز از اوست و ما از او هستیم.» (اول قرنتیان ۸: ۶)

اطلاق کلمه خداوند: و از عبارات متعددی که از کتاب مقدس نقل شده تعبیر و به کار گرفتن کلمه خداوند برای حضرت عیسی، (ع) مشاهده گردید.^۱



۲- اوصاف خدائی روح القدس:

در میان مسیحیان روح القدس، به عنوان یک سوم از خدای واحد دارای مرتبه‌ای بزرگ است به گونه‌ای که گاه او را هم‌رتبه پسر خداوند، بلکه پسر طبیعی خداوند را روح القدس، می‌دانستند و رتبه‌اش را بالاتر از جناب عیسی، که (پسر خوانده خداوند) بود می‌دانستند.

اجمالاً می‌توان گفت از ظواهر کتاب مقدس مشابه همان اوصافی که ویژه خداوند است و مسیح را در آن‌ها شریک نمودند، برای روح القدس، نیز اصطیاد می‌کنند که از جمله آن‌ها: ابدی، حضور مطلق، قدرت مطلق، علم مطلق، قدرت زنده کردن

^۱ و به این موارد نیز می‌توان توجه کرد: لوقا ۳۰: ۱۰، متی ۱: ۱؛ متی ۲۳: ۱؛ یوحنا ۴۱-۴۰

مردگان و...

دو - فرمان شوراها:

دومین شاهدی که طرفداران تثلیث برای اثبات الوهیت اضلاع آن مورد تمسک قرار می دهند احکام و فرامین شوراها و کلیسا می باشد که سه نمونه آن نقل می گردد:

۱ - نیکیه:

در اواخر قرن چهارم میلادی که مسیحیت دوران سخت اقتدار سرکوب گرانه امپراطوران روم را سپری می کرد و از آلام و فشارهای حاکمان علیه جوامع مسیحی بجان آمده بودند، با روی کار آمدن قسطنطین، امپراطوری که به دین و مذهب بویژه مسیحیت مهربان بود می رفت تا جوامع، جانی تازه کنند و نفس راحتی بکشند که دیدگاهها و آرا خلاف معمول شخصیت‌هایی چون: آریوس، کلمنس، و اوریگنس، جامعه را دستخوش تلاطم ساخت و نظریه‌هایی چون نفی الوهیت از عیسی بن مریم و دفاع از انسانوار بودن ایشان که نزدیک بود جنگ ایمان علیه ایمان محیط مسیحی نشین را فرا گیرد و گستره آن به درون خانه‌ها راه یابد که قسطنطین، به مداخله پرداخت و به خصوص جهت آرام نگهداشتن جغرافیای حکومت خود با کمک کلیسا در شهر نیکیه (نزدیک قسطنطین) شورایی را برپا و حدود سیصد تن از شخصیت‌های مسیحی را گرد آورد و انجمن عظیم و باشکوهی را تشکیل داد که منجر به تصویب اعتقادنامه نیکیه گردید و ما گوشه‌ای از آن را که به بحث مربوط می شود نقل می کنیم:

« ما ایمان داریم به خدای واحد. پدر قادر مطلق، خالق همه چیزهای مریی و نامریی. و به خدای واحد، عیسی مسیح پسر خدا، که از پدر بیرون آمده، فرزند یگانه و مولود از او که از ذات پدر است، که به وسیله او همه چیز وجود یافت، آنچه در آسمان است و آنچه در زمین است و برای خاطر ما آدمیان و برای نجات ما نزول کرد و مجسم شد و انسانی گردید و رنج برد و روز سوم برخاست و به آسمان صعود کرد و خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری نماید و ما ایمان داریم به روح القدس (جمعی از نویسندگان، ج ۲، ۶۳۴)»

۲- قسطنطنیه:

در شورای قسطنطنیه که در سال ۳۸۱ در زمان امپراتوری ثئودور سوس، برگزار شد در اعتقادنامه مصوب راجع به روح القدس، آمده است: «و نیز ایمان داریم به روح القدس، خدای رب و حیات بخش که از پدر سرچشمه گرفت و با پدر و پسر یک جا مدح و پرستش می‌شوند.» (هما، ص ۷۳۲)

۳- کالدون:

از حدود اوایل تا اواسط قرن پنجم، مباحث کلامی حادی در میان مسیحیت به وجود آمد و تقریباً شبیه مباحث دهه‌های انتهایی قرن چهارم بود و این مباحث سبب رو در رو قرار گرفتن کلیساهای انطاکیه و اسکندریه گردید و منازعات تا حد تکفیر یکدیگر پیش رفت و باز خورد و واکنش آن، دو نشست و تجمعی بود که در افسس

(۴۳۱) بنام خلقیدونیه و شورای کالسدون در آسیای صغیر (ترکیه کنونی) انجام گرفت در اینجا بخشی از اعتقاد نامه مصوب شورای کالسدون که تأکید بر الوهیت عیسی مسیح دارد نقل می‌گردد:

«ما اقرار می‌کنیم که پسر یگانه خداوند عیسی مسیح در آن واحد کامل در الوهیت و کامل در بشریت است. هم به حقیقت خداست، هم به حقیقت انسان است و دارای عقل و روح و جسد می‌باشد. از یک طرف با پدر و الوهیت از یک عنصر و یک گوهر است، و از طرف دیگر با مادر در بشریت شریک است و از هر جهت مانند ماست، ولی دارای عصمت صرف و فرزند یگانه مولود الهی است: قبل از زمان وجود داشته است و در آخر الزمان او را مریم عذرا که به خدا حامله بود زاییده، و اوست مسیح، یگانه پسر و خداوند ما، زاییده شده ولی دارای دو ماهیت بدون ترکیب و امتزاج، بدون تغییر و تبدیل بدون انقسام و تجزیه. و این اختلاف دو ماهیت به هیچ وجه به واسطه اتحاد با یکدیگر قابل فنا و انهدام نیست. بلکه خصایص ذاتی هر یک از آن دو تا ابد الابد محفوظ خواهد بود. پس عیسی، یگانه مولود الهی کلمه اوست و مسیح مانند دیگر انبیاء قدیم برای تعلیم بشر قیام کرد و این است اعتقادنامه مقدس کلیسا که اکنون به دست ما رسیده است. (ناس، ص ۷-۶۳۶)

۴- اسرار الهی:

آنچه در تثلیث بیشتر از هر چیز مهم می‌نماید درک و پذیرش تثلیث است، در معنای تثلیث گفته شد که اضلاع و اجزای سه گانه ثالث، اجزای حقیقی و مستقل و کاملاً

از همدیگر متمایز هستند و در عین حال وحدت میان آن اجزا حقیقی و واقعی است البته بعضی که معقول تر سخن گفته‌اند، یا وحدت را حقیقی دانسته‌اند و تمایز را اعتباری و یا تمایز را حقیقی و وحدت را نسبی و اعتباری (ولفسن، ص ۳۴۶؛ فرماس، ص ۲۵) اما بر اساس دیدگاه معروف در الهیات مسیحی که شورای کلیسا نیز در ادوار مختلف آن را تأیید کرده وحدت و تمایز را حقیقی و واقعی دانسته‌اند طبیعی است که این پارادوکس و به نوعی تناقض را وجدان و عقل بر نتابد و زبان به نقد و رد آن گشاید.

اینجاست که آباء کلیسا و دانشمندان مسیحی آسمان و زمین را به هم دوخته از تعبد مایه گرفته و از مکاشفه استقراض نموده‌اند تا به نوعی این امر نامعقول و نامقبول را یک موضوع کاملاً آسمانی و تعبدی جلوه بدهند، و ما بعضی از دیدگاه‌ها را مرور می‌نمایم.

برخی می‌گویند: تعلیم در مورد تثلیث اقدس را نمی‌توان در الهیات طبیعی پیدا کرد، بلکه در مکاشفه الهی مسیحی می‌توان به آن پی برد، با استدلال منطقی می‌توانیم بفهمیم که خدای واحد وجود دارد ولی وجود تثلیث در خدای واحد را از طریق مکاشفه الهی درک می‌کنیم (تیسن، ص ۸۷؛ کفالتو، ص ۵۵)

در کتاب ایضاح التعلیم المسیحی به اشکال یاد شده توجه و پاسخی شگفت‌انگیز بدین شرح آمده است:

اولاً؛ در مقابل خداوند متعال خضوع پیشه کرده و در مقابل عزت‌ش احترامی شایسته

بگذاریم.

ثانیاً؛ اگر خلاصی و سعادت انسان در فحوص و کاوش نمودن نهفته بود و هر انسانی ملزم به بحث از حقایق می‌بود چه بر سر جنس بشر که قدرت درک اکثر اشیای الهی را ندارد می‌آمد.

ثالثاً؛ باید به مسأله‌ای فوق ادراک خود مؤمن شویم، تا آنچه سبب سقوط اولین پیامبر الهی در ورطه گناه شد که همانا رغبت در کسب بصیرت و آگاهی و فهم بود، اصلاح گردد و به همین جهت بر انسانی که حرص مفرط و شوق گمراه کننده به علم، او را هلاک نمود واجب است به دور از هر گونه بحث و فلسفه‌بافی ایمان آورد و تمام انوار عقل خویش را منکر گردد. (فرماج، ص ۲۳)

دیدگاه توحیدی: مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بدون تردید آنچه به عنوان تثلیث و پذیرش الوهیت برای غیر خداوند آمده دیدگاه و اعتقاد همه مسیحیان نمی‌باشد بلکه در ادوار مختلف تاریخ از عصر نخست تا دوران معاصر دانشمندان و علمای بسیاری در عالم مسیحیت زیست کرده‌اند که مروج و مدافع مسیحیت ناب بوده‌اند که ویژگی برجسته آنان؛ مخالفت با تثلیث شرک آلود و حمایت از انسان بودن حضرت عیسی بن مریم می‌باشد. و ما به طور اختصار به معرفی برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

یک، موحدان صدر اول:

۱- ایرانائوس، (۲۰۰ - ۱۳۰ م)

در سال ۱۹۰ جناب ایرانائوس، در حالیکه به عنوان اسقف در لایونز وظایف خود را انجام می داد به پاپ ویکتور، نامه نوشت و از او خواست قتل عام مسیحیان را به جرم اختلاف در عقیده متوقف سازد که در سال ۲۰۰ او نیز در این مسیر به شهادت رسید.

و باید گفت انگیزه آنان که او را به قتل رساندند این بود که او:

به خداوند داوود، عقیده داشت.

از انسان بودن حضرت مسیح، دفاع می کرد.

از طرفداران پر و پا قرص انجیل برنابا، بود.

و از منتقدان جدی پولس، به شمار می آمد.

۲- ترولیان، (۲۲۰ - ۱۶۰)

او از جمله عالمان ربانی و متعهدی بود که آوازه او شهره آفاق گشت و تا امروز به عنوان دانشمند مدافع راست کیش ناصری از او یاد می شود مشخصات بارز او چنین بوده است:

اعتقاد به یگانگی خداوند.

اعتقاد به بشریت حضرت عیسی،

مخالفت با مسأله بهشت فروشی کلیسا

۳- اریجن، (۲۵۴ - ۱۸۵)

ایشان پس از ده‌ها سال تبلیغ و ترویج مسیحیت صحیح و تحمل مرارت‌ها و سختی‌های بی‌شمار دست آخر توسط شو‌رای اسکندریه محکوم به زندان و در اثر شکنجه‌های مستمر جان باخت.

دلیل حبس و زجر و قتل او را چنین نوشته‌اند:

او از پذیرفتن تثلیث امتناع ورزید.

یگانگی خداوند را عقیده داشت. *تثلیث کاپتور علوم اسلامی*

عیسی را بنده خدا و نه همتای او می‌دانست.

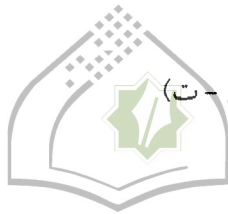
۴- لوسیان، (متوفی ۳۱۳ - م)

وی از متکلمان و اندیشمندان بنام مسیحیت است که امثال آریوس، از شاگردان او محسوب می‌گردد. به اعتقاد لوسیان، عیسی نه تنها همتای خدا نبود که فرمانبردار و مطیع ایشان بود به همین سبب کلیسا نسبت به او کینه‌مند شد و در سال ۳۱۳ پس از شکنجه‌های فراوان به قتل رسید. (بهشتی، ص ۱۰۵)

۵ - سابلوس (مربوط به قرن سوم)

این متفکر مسیحی گرچه به ظاهر مدافع تثلیث بود اما هرگز تثلیث رایج در نزد کلیسا را نپذیرفت و بر این باور بود که: خداوند هم در ذات و هم در اقنوم واحد است و پدر، پسر و روح القدس، اسماء مختلف برای یک حقیقت می باشد و این حقیقت و ذات یگانه به لحاظ اعتبارهای مختلف نام های مختلف به خود گرفته است.

دو، موحدان معاصر:



۱- فرانسیس دیوید، (۱۵۱-۰ م - ت)

اهم فعالیت ها و عقاید او:

- مبارزه با عقیده تثلیث - دفاع از اعتقاد به وحدانیت خداوند - انجام مناظرات بسیار در همین راستا که چهار اعتقاد به او منسوب است:

- فرمان اکید خداوند این است که احدی جز خدای پدر؛ خالق آسمان و زمین، نباید نیایش شود.

- مسیح، آن یگانه معلم حقیقت، تعلیم داده است که در پیشگاه هیچکس جز پدر آسمان نباید نیایش کرد.

- دستور این است که انواع عبادت ها باید در پیشگاه خدا باشد نه در پیشگاه حضرت عیسی، نیایش حقیقی، وظیفه مشخصی است که باید از صمیم قلب و از روی صدق

و اخلاص در برابر خدای پدر انجام شود.

در نهایت دستگاه کلیسا او را محاکمه و محکوم و محبوس و بالاخره در زندان جان داد و این شعر را به دیوار زندان نوشت که: تنها یک جنایت مطرح است که یک خدا را پرستیده‌ام نه سه خدا را.

۲- میخائیل سروتوس، (۱۵۱۱ م-ت)

اجمالاً باید گفت در اکتبر ۱۵۵۳ در ۴۲ سالگی به جرم مخالفت با عقیده جعلی تثلیث و تبلیغ و دفاع از عقیده توحید زنده در آتش سوزانده شد.

۳- ماریا سوزینی، (۱۵۲۵ م-ت)

این دانشمند فرهیخته و یکتاپرست، عقیده توحیدی را در جملات و فرازهای ذیل تبلیغ و از آن دفاع می کرده است:

تنها یک خدا وجود دارد، عیسی حقیقتاً یک انسان است. او از نفخه روح القدس، در رحم پاک یک دوشیزه به وجود آمد.

نظریه تثلیث و الوهیت عیسی به وسیله فلاسفه مشرک ساخته و پرداخته شده است.

۴- سوسیانوس، (۱۵۳۹)

ایشان به توحید عقیده‌مند بود. مسأله فدا و غسل تعمید را نمی‌پذیرفت.

پر واضح است موحدان راست کیش مسیحیت، منحصر در آنچه ذکر شد نمی‌شوند و تعداد فراوان و بسیاری از علماء و دانشمندان مسیحی بوده‌اند که افکار و عقاید تحمیلی و خرافی پاپ و کلیسا را قبول نداشته و همچون افراد یاد شده تا آخر عمر موحد و یگانه پرست زندگی کرده‌اند.

نقد و بررسی:

بدون شک نقد تثلیث به صورت جامع و کامل مجال دیگری می‌طلبد اما در حد تناسب نوشتار چند نکته مورد توجه و اشاره قرار می‌گیرد:

- از آنچه بیان گردید بخوبی نقد تثلیث نیز بدست آمد بخصوص اینکه از کتاب مقدس دلیل و شاهد قابل قبولی برای اثبات آن نتوانستند ارائه دهند و بیشتر ریشه و منشاء آن را در جای دیگری جستجو می‌کردند. *اوم رسانی*

- دستورات و فرمان‌های شوراها و دستگاه کلیسا مبنی بر لزوم پذیرش تثلیث و اعطاء الوهیت به غیر خداوند متعال ناصواب و غیر عقلانی است چه آنکه هیچ فرد و جمعی ولو بسیار باشند نمی‌توانند آموزه‌های غیر دینی را جزء دین اعلام نمایند چنانچه مطلبی که دینی بودن آن قطعی باشد هیچ کس حق ندارد آن را رد و خارج از دین بداند و این کار همان بدعت است که دانشمندان خداپرست آن را باطل و حرام می‌دانند.

- تثلیث را از امور تعبدی و در شمار اسرار الهی دانستن و اینکه از مردم بخواهند با

چشمانی بسته و تعطیل کردن تعقل آن را بپذیرند نه تنها تثلیث را مقدس جلوه نمی دهد بلکه بیشتر آن را امری حکومتی و تحکم آمیز نشان می دهد.

- فقرات و گزاره هایی که برای اثبات الوهیت اضلاع تثلیث به کار گرفته اند تمسکی ناصواب و استدلال ناتمام است زیرا:

اولاً: عهدین از حیث سند مشکلات فراوانی دارد و در اینکه نمی توان همه آموزه های آن را وحیانی تلقی کرد قطعی است. (دورانت، ج ۳، ص ۶۹۵)

ثانیاً: فقرات یاد شده در دلالت بر مقصود نیز تمام نمی باشد و علماء راست کیش مسیحی با تفسیر درست این موارد را از ظواهر رهنزن به معانی توحیدی و ناب تاویل می برند.

- اجمالاً قبول اوصافی مانند ازلیت، ابدیت، مطلق و نامحدود و ... برای خداوند متعال که اهل کتاب نیز آن را قبول دارند با ایمان به تثلیث و پذیرش جسمیت و محدودیت برای خداوند سبحان ناسازگار و در تناقض است.

- اطلاق نام هایی چون پدر و پسر بر خداوند سبحان لوازمی چون پذیرش ابوت و بنوت برای خداوند دارد که یا باید قول به الوهیت غیر خدا را پذیرفت و یا قایل به مجاز شد. البته در فرهنگ اسلام کاربرد این گونه اسما و صفات برای خداوند مطلقاً جایز شمرده نمی شود.

- ذکر و توصیف برخی از دانشمندان موحد مسیحی به روشنی نشان داد که عقیده و

گرایش به توحید اصل اول در مسیحیت بوده و شرک و پذیرش تثلیث یک باور جعلی و عارضی است.

- نکته عجیب اینکه اینان تثلیث نادرست و غلط را به موضوع ناصواب دیگری پیوند می دهند و فلسفه الوهیت غیر خدا یا خلع خداوند از اولوهیت و پذیرش جسمیت را مقدمه فدا و نجات نسل بشر از گناه موروثی حضرت آدم می دانند و گناه ایشان را هم کنجکاوای برای درک معرفت ذکر می کنند که این ادعا اثبات نشده و مخالف آیین انبیاء و حکمت الهی بوده و عصمت انبیاء را که مهم ترین عامل جلب اعتماد و اطمینان مردم است به چالش می کشاند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نتیجه گیری :

از مجموع آنچه بیان گردید می توان چنین استفاده کرد که مسیحیت اصیل که بر اساس تعلیم حضرت عیسی مسیح (ع) شکل گرفته است ، توحید خالص و ناب را در بر دارد ؛ لکن اندیشه تثلیث توسط افراد دیگر و پس از سپری شدن عصر عیسی (ع) و حواریون در تعالیم مسیحیت رسوخ کرد و روشن شد که نمی توان برای تثلیث معنای واضح و روشنی را فرض کرد و علاوه بر اینکه چنین اندیشه ای با عقل و استدلال منطقی قابل قبول نبوده و مردود است ، با یگانگی و توحید هم سازگاری ندارد و بنابر این آنچه در اندیشه مسیحیت با تثلیث پیوند خورده است هم قابل قبول نمی باشد مانند الوهیت غیر خدا ، خدا و غیر اینها .

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست منابع:

۱. محمد ابوزهره، محاضرات فی النصرانی، دار الفکر العربی، ۱۳۹۲ ق.
 ۲. البستانی، پطرس، دایره المعارف، ج ۵.
 ۳. بهشتی، احمد، عیسی پیام آور اسلام، نشر نوا، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- کتاب عهدین.
۴. باشا، حبیب، التعليم المسيحي للكنیسه الكاثوليكیه، المتربولیت، لبنان ۱۹۹۹ م.
 ۵. تیسن، هنری، الهیات مسیحی، ترجمه: مصطفی میکائیلیان، انتشارات حیات ابدی، تهران، ۱۹۸۲ م.
 ۶. توماس، میشل، کلام مسیحی حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب قم ۱۳۷۵.
 ۷. ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۵ ش.
 ۸. جمعی از نویسندگان، جهان مذهبی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ ش.

۹. حکمت، علی اصغر، تاریخ ادیان انتشارات ابن سینا، تهران ۱۳۴۵ ش.
۱۰. فرماج، پطرس، ایضاح التعليم المسيحي، مطبعه الآباء المرسلين اليسوعيين، ۱۸۸۲ م.
۱۱. کفتالو، لويس، البرهان سديد في حقيقه التوحيد، المطبعه العامه، بيروت ۱۸۶۹.
۱۲. كتاب عهدین، انتشارات كتاب مقدس.
۱۳. ولفسن، هری، فلسفه علم كلام، ترجمه: احمد آرام، انتشارات الهدی، تهران ۱۳۶۸ ش.
۱۴. هاکس، مستر، قاموس الكتاب المقدس، ماده ثالث و نشر اساطير تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۵. محمد، دايره المعارف قرن بیستم ماده ثالث.
۱۶. محمد احمد، النصرانيه من التوحيد الى التثلیث، دار العلم، ۱۹۹۲ م.
۱۷. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه: احمد آرام، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ ش.